لزوم مراجعه متمکنین به منابع اصلی

خب ما در تبیان عبارتی که «تطلع فی اخبارهم» داشته باشد، پیدا نکردیم. کما اینکه عبارتی که مکرر از زمخشری نقل شده را پیدا نکردیم. مکرر نقل شده. در مستمسک مرحوم حکیم هم آمده. اما ما اثری در آثارش پیدا نکردیم. هر چه گشتیم پیدا نکردیم. آخرش باید جایزه تعیین شود که زمخشری در کجا این را گفته که در نماز باید احتیاط کنیم. عبارتی که الآن از زمخشری دارد این است: «لا تبرأ ذمّتي من الصلاة إلّا بإذا قرأ بما وقع فيه الاختلاف على كلّ الوجوه كملك و مالك[1]»؛ زمخشری گفته باید هر دو را بخوانی و الا ذمه تو بریء نمی‌شود! احتمالی که فعلاً در ذهن من است، این است که صاحب حدائق تنها این را نقل کرده‌اند. تنها در حدائق است. چه بسا ایشان هم از مشایخ خود نقل کرده‌اند. چه بسا شیخ ایشان که این را آورده، لازم دیده که نقل به معنا بکند. گفته چون زمخشری در کشاف در تواتر خدشه می‌کند، باید احتیاط کند. درحالی‌که درتواتر هم خدشه نکرده بلکه در بعض قرائات خدشه کرده. پس حال که تواتر زیر سؤال رفت، لاتبرئ ذمته. لذا می‌گوییم لازمه حرف زمخشری را گرفته. و الا ما هر چه گشتیم چیزی پیدا نکردیم. بلکه خلافش از خود زمخشری هست.

عبارت تبیان در حدائق بود. عبارت حدائق مفصل در مفاتیح و در جاهای دیگر آمده بود. و کتابهایی هم که گفته بودند «منکر بحث، شیخ در تبیان است» ناظر به صاحب حدائق بودند. خب الآن می‌خواهم چه عرض کنم؟ مقدمه‌ای برای مباحثه فردا باشد[2].

ببینید در ذهن من دو نکته آمده. در فدکیه هم گذاشته‌ام؛ آیا شیخ طوسی در مقدمه تبیان منکر تواتر هستند یا نه؟ نکته این است: عبارتی که در صفحه دوم همین جزوه خواندیم نکته بسیار مهم از آن افتاده است. خب شاید صاحب مفتاح الکرامه در آن وقت تبیان را نداشتند. بعضی از نکات که به ذهنم می‌آید را بعداً یادم می‌رود که بگویم.

مرحوم آقای حکیم در همین بحثی که الآن گفتم در جلد ششم، صفحه ۲۴۹ مطلبی دارند. مرحوم سید می‌فرمایند: «يجوز قراءة مالِكِ ـ ومَلِك يَوْمِ الدِّين»؛ سید می‌فرمایند که هر دوی آنها جایز است. آقای حکیم می‌فرمایند:

> فإن الأول : قراءة عاصم والكسائي من السبعة ، وخلف ويعقوب من غيرهم ، والثاني : قراءة بقية القراء من السبعة وغيرهم. والذي يظهر من سراج القارئ في شرح الشاطبية : أن المصاحف كذلك مرسومة بحذف الألف ، واختاره الزمخشري وغيره ، لأنه قراءة أهل الحرمين[3]

«فإن الأول : قراءة عاصم والكسائي من السبعة ، وخلف ويعقوب من غيرهم ، والثاني : قراءة بقية القراء من السبعة وغيرهم»؛ بقیه آن قرائت ان‌فع، ابن کثیر و حمیزن است. از خود کوفه همه «ملک» خوانده‌اند. در ادامه می‌فرمایند:**«والذي يظهر من سراج القارئ في شرح الشاطبية : أن المصاحف كذلك مرسومة بحذف الألف»**؛ او می‌گوید در مصاحفی که بوده الف نبوده. زمانیکه ما طفل بودیم همه قرآن ها الف داشت. الآن هم که قرآن های عثمان طه آمده هیچکدام ندارد. این قدر تفاوت دارد. از آن جا نقل می‌کنند. در مستمسک آقای حکیم برای اینکه در همه مصاحف «ملک» الف نداشته از شرح شاطبیه می‌گویند. و حال آنکه تبیان شیخ الطائفه اولی است ای شرح شاطبیه؟! تبیان که جلوتر از او است. متن شاطبیه بعد از شیخ است. خب شیخ در تبیان می‌گوید که در مصاحف «ملک» الف ندارد. یعنی منافاتی ندارد. آقای حکیم مستحضر تبیان نبودند. اگر مستحضر بودند که اولی بود بگویند شیخ در تبیان فرموده‌اند در مصاحف الف ندارد. اینطور نیست هر کسی فوری هر کتابی نزدش حاضر باشد و نگاه کند. به نقل دیگران اعتماد می‌کردند و مرسوم هم بوده، چطور می‌شود فوری ثبت کنیم؟! پیشرفت علم به همین است که ما می‌گوییم فلانی در اینجا این جور گفته. خب وقتی دیگران متمکن شدند باید مراجعه کنند. عبارتی که الآن در مفتاح الکرامه آمده عبارت حدائق است. در عبارت حدائق یک نکته بسیار مهم افتاده است.

---

[1]مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين) ج۷ص۲۱۶

[2]شاگرد: تذکر می‌دهند که وقت تمام شد.

استاد: این روایت از روایات بالا بالا است. «اعبد الله کانک تراه، فان لم تکن تراه فانه یراک»!

[3]مستمسك العروة الوثقى ج۶ص۲۴۹

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 15:39:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2024 14:37:45 توسط ... .